



گفتگو ي ليلا حکمت نيا با عليرضا ذيق

#: لطفا بيوگرافي مختصري از خود براي خوانندگان ما بفرماييد.

@: متولد 1338 هشتم در خوي و اما تهران وتبريز ، شهرهاي هستند که نوجواني ها وجواني هاي مرا بيشتر در آنجا ها بودم .تحصيلات تکميلي ام در زمينه هاي علوم تربيتي و روانشناسي است از دانشگاه تهران . اولين قصه ام که چاپ شد ، 14 سالم بود . درمجله " دختران و پسران " . نام داستان " معجزه سکه ها " بود و به شکلي مرتبط بود با ماجراهاي سفري که به شيراز و بندر بوشهر داشتم . شعرهاي نوجواني ام نيز بعضا در مجله فردوسي انعکاس مي يافت . دوسال و اندي هم در اوایل انقلاب اسلامي ، سردبير ماهنامه ادبي " ده ده فورفود " بودم در تبريز . چندي هم در صفحات " ادب و هنر " روزنامه کيهان بودم از

سال 64 . مدتی نیز سردبیر هفته نامه "اورین خوی" بودم ، بعد از سال 80. حرفه اصلیم معلمی بود و الان باز نشسته ام . از کتابهای منتشر شده داستانی ام " زخم شیشه " و " عروس نجوان " را بیشتر دوست دارم و رمان های " باکوی بی خزر " ، " شبهای استانبول " و " زنی به نام آتش " را آماده چاپ دارم. مجموعه شعر "عطش " و چند تایی دیگر هم هست .

#: شعر خوی را چگونه ارزیابی می کنید ؟

@: شعر "خوی" - البته نه شعر ترکی آذربایجانی - مثل شعر همه شهرهای دیگر ، بدون پیوند آن با جریان شعری ایران و جهان ، بطور مستقل قابل ارزیابی و نقد نیست . اینجا هم استعدادهایی هستند که می نویسند و خلاقیت آنها روزی می تواند مطرح باشد که يك وجه ملی و جهانی پیدا کنند و با نوآوری در زبان ، فرم و نیز ایجاد تنوع در مضمون ، محتوا، اشکال ذهنی و صوری و تأثیر گذاری جاپایی را برای خود در ادبیات معاصر دست و پا کنند .

#: شعر و داستان ایران در چه مرتبه ای از جهان قرار دارد ؟

@: من حرفی از ادبیات کلاسیک نمی زنم که فردوسی ، خیام ، حافظ ، نظامی ، مولوی ویا سعدی همانقدر در دنیا مشهورند که در ایران . اما ادبیات معاصر ما خیلی غریب مانده است ، هم برای خودمان و هم برای دنیا . هدایت ، چوبک ، نیما، شاملو ، ساعدی و فروغ فرخزاد هنوز در قد و قواره ای که هستند شناخته نشده اند . به استثنای " صمد بهرنگی " که آثارش جزو کلاسیک های جهانی محسوب می شود و کودکان جهان وبه تبع آن در مجامع ادبی و روشنفکرانه دنیا، نامی شایسته یافته است .

دلایل کشف نشدن شعرا و نویسندگان امروز ایرانی در دنیای ادبیات نیز، بیشتر برمی گردد به به خود ما و اینکه نخواستیم ایم کسی قدش بلند تر از ما باشد . مترجمان خوبی در ایران داریم که در هر دو زبان فارسی و خارجی می توانند و می توانستند ترجمه کنند و اما این کار را نکرده اند . معمولا مردم هرزبانی ، خود مترجم شاهکار های ادبی کشور خود به زبانهای دیگر بودند . اما اینجا، دیگران را به ما شناسانده اند و ما را به دیگران نه . حالا چرا ، کاری ندارم . اما بیشتر این مسائل برمی گردد به اعمال خط و خطوط های سیاسی و قومیتی و نداشتن روحیه خود با وری و نیز نبودن هیچگونه سیاست حمایتی از طرف دولتها در مورد ادبیات مستقل . کسانی چون غلامحسین ساعدی ، سیمین دانشور ، سیمین بهبهانی ، منیرو روانی پور ، محمود دولت آبادی ، هوشنگ گلشیری ، رضا براهنی ، نصرت رحمانی و حتی از جوانترها " میترا داور " و " محمد بهارلو " سر و گردنی بالاتر از آنهايي بودند و هستند که صاحب " پولیتزر " و " نوبل " شده اند و یا کاندیدای آن جوايز.

: یک شاعر و یک نویسنده خوب (از دید شما) باید دارای چه ویژگی هایی باشد ؟

@: از نظر من شاعر و نویسنده خوب کسی نیست که حتما باید مثل من فکر کند و یا که از نظر اخلاقی و معیار های ارزشی و حریم خصوصی زندگی ، لکه سیاهی تو کارنامه اش نباشد . چرا که ارزشها نسبی اند و از جامعه ای به جامعه ای دیگر و همپای زمان فرق می کنند. نویسنده و شاعر خوب کسی است که با بهره گیری از زبان زنده عصر خود ، به کشف لحظه هایی از زندگی ، عواطف و احساسات انسانی نائل شود که در مردمان عصر خود و اعصار ي که هنوز نیامده اند با سبك و سیاق خاص خود يك حس قوی از همذات پنداری ، پویائی و نوستالژی فردی و گروهی ایجاد کند.

هنرمندان پرسنلی ، سفارش بگیر و مصلحتی نویس ، شبه هنر مندانی اند که همیشه يك چنین ناقص اند و تولدی هم اگر داشته باشند ، تا ویلچر را از آنها بگیري ، حرکتی نمی کنند. نویسنده و شاعر خوب کسی است که بعد از مرگش نیز ، زنده باشد و خلاقیتش تاثير گذار.

#: شما به شاعران و نویسندگان جوان احترام خاصی می گذارید و این برایم حالب است دلیل این کار شما چیست ؟

توجه من به ادبیات ، غیر از مطالعه کتاب از طریق سایت ها و وبلاگ ها نیز هست . در وب سایت ها نیز اکثریت با جوانهاست و آثارشان را که حوصله کنم می خوانم . بعضی از جوانها فوق العاده اند ، چه در نشر و چه در شعر . موانع و محدودیت های نشر و پخش کتاب را نیز می دانم و همچنین هم سودا گری ها، حب و بغض ها و رفاقت بازی های رایج در بازار کتاب را . لذا آثار تنی چند از جوانان را خیلی شاخص دیده ام و در

حد شناخت وشعورم ، به تشويق آنها كوشيده ام . شايد كمى هم بر مى گردد به شغل معلمى و شايد هم عشق من به ادبيات متعهد ، مدرن و مستقل . البته تعهد در ادبيات ، با تعريف هاى من ادبياتيست انسان مدار ونه ايد ئولوژيك ،چه چپ و چه راست.

#:اگر حرف نگفته اى داريد بفرماييد.

@: حرف هاى نگفته كه هميشه هست اما ، از اينكه جوانها ي فرهيخته اى چون شما به آثار من توجه دارند واقعا خوشحالم.

#: ممنون از اينكه وقت ارزشمندتان را به من داديد.

به نقل از: هفته نامه ی ادبی نوشتار

<http://www.neveshtar-ir.blogfa.com/post-128.aspx>